

نشست میراث
چاپ عکسی نسخه
صحیفه سجادیه
به خط ابراهیم بن علی کفعمی

- مرتضی هاشمی پور
□ مدیرسرای اهل قلم / mhp503@gmail.com
سیدمحمدحسین حکیم
□ کارمند کتابخانه ملی / کارشناس نسخ خطی / owraqatiq@gmail.com
محمدرضانورالهیان
□ مشاور رئیس سازمان کتابخانه ملی ایران
محمدکاظم رحمتی
□ پژوهشگر تاریخ اسلام در دانشنامه جهان اسلام / Kazemr112@yahoo.com
غلامرضا امیرخانی
□ معاون کتابخانه ملی

چکیده

مقاله حاضر، حاصل نشست‌های درباره چاپ عکسی نسخه صحیفه سجادیه به خط ابراهیم بن علی کفعمی و به کوشش و مقدمه آقای سیدمحمدحسین حکیم می‌باشد؛ نشست حاضر با حضور آقایان: هاشمی پور، نورالهیان، رحمتی، امیرخانی و نیز آقای سیدمحمدحسین حکیم برگزار شد. در این نشست آقایان در مورد چاپ عکسی صحیفه سجادیه و تاریخچه آن گفت‌وگو کرده و نیز نظراتی برای پژوهش‌هایی در این زمینه دادند.

کلیدواژه

صحیفه سجادیه، چاپ عکسی، کفعمی، امام سجاده (ع)



هاشمی پور: نشست امروز درباره چاپ عکسی نسخه صحیفه سجادیه به خط ابراهیم بن علی کفعمی و به کوشش و مقدمه آقای سید محمدحسین حکیم است. از نویسندگان این کتاب و آقایان نورالهیان، رحمتی و امیرخانی خواهشمند است در مورد این کتاب و اهمیت صحیفه سجادیه در اسلام به خصوص در مذهب شیعه صحبت کنند. **سیدمحمدحسین حکیم:** کتابی که امروز در مورد آن می‌خواهیم صحبت کنیم کتاب صحیفه سجادیه‌ای است که اخیراً به صورت چاپ عکسی یا نسخه برگردان از روی خط ابراهیم بن علی کفعمی در سال ۸۶۷ ق. کتابت شده است و عیناً اصل دست خط کفعمی به همراه مقدمه‌ای در ابتدای کتاب منتشر شده است.

در مورد اهمیت کتاب **صحیفه سجادیه** به چند نکته می‌توان اشاره کرد. این کتاب تنها کتاب مابین الدفتینی است که از یکی از ائمه معصومین به دست ما رسیده است. یعنی تنها کتابی است که از سوی امام شیعه تألیف و روایت شده است و به همین جهت پیروان شیعه امامیه، زیدیه و اسماعیلیه آن را در بین تراث خود قبول دارند. در حال حاضر، شاید تنها بتوان **نهج البلاغه** را در کنار **صحیفه سجادیه** نام برد که مورد پذیرش تمامی مذاهب شیعه قرار دارد.

از طرف دیگر **صحیفه سجادیه** جزو نخستین کتبی است که در تمدن اسلامی کتابت شده است و اولین بار ابن شهر آشوب در قرن ششم به این موضوع اشاره کرده است. البته ایشان نام **صحیفه سجادیه** را در کنار چندین کتب دیگر می‌آورد که در تمدن اسلامی تألیف شده‌اند؛ ولی تاریخ تألیف و پیدایش **صحیفه** مقدم بر تمامی آنهاست. ویژگی دیگر این کتاب روایت‌های زیادی است که در آن قرار دارد. علاوه بر شیعه، فرقه‌هایی از اهل سنت نیز به این کتاب اعتقاد داشته و آن را در میراث خود پاس داشتند. نمونه آن فرقه کرامیه است. این فرقه در طول تاریخ به ضدیت علیه شیعه معروف است؛ ولی قدیمی‌ترین نسخه این کتاب در سال ۴۱۶ ق. به روایت کرامیه در مدرسه‌ای در نیشابور کتابت شده است و اکنون این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود می‌باشد. **صحیفه سجادیه** تنها کتابی است که هم منشی، هم راوی و هم کاتبش خود امام (ع)



هستند و با تمام خصوصیات که دارد این کتاب را برای ما مهم می‌سازد؛ ولی متأسفانه در بین ما قدرنادیده و مهجور است. به عنوان مثال هنوز تحقیق و تصحیح شایسته‌ای از صحیفه سجادیه به عمل نیامده است و صحیفه‌های امروزی همه از منبعی مانند ترجمه مرحوم محمد مشکات که حدود ۶۰ سال پیش انجام داده‌اند استفاده کرده و در دسترس خوانندگان قرار گرفته‌اند. نسخه حاضر از این متن دینی، قدیمی‌ترین نسخه شیعی است از سوی کفعمی به عنوان چهره درخشان در دعانویسی کتابت شده است. از کفعمی می‌توان در کنار ابن طاووس و شیخ طوسی که از عالمان بزرگ شیعه هستند، یاد کنیم که در زمینه ادبیات و دعانویسی در شیعه، کتاب‌های زیادی نوشته‌اند. به صورتی که کتاب‌های هر کدام از این افراد در بین چندین نسل بعدشان در بین عام و خاص رواج داشته است. یکی دیگر از ویژگی‌های دیگری که این کتاب دارد این است که کفعمی صحیفه را به صورت تصحیح انتقادی با رجوع به آیات و احادیث مستند نوشته است. کاری که امروز کمتر شاهد آن هستیم.

جنبه دیگر کار کفعمی این است که حاشیه‌های لغوی و توضیحی به کتاب اضافه کرده، که با این کار، کتاب را شرح داده است. کاری که تا قبل از او فقط توسط ابن ادریس انجام شده بود، آن هم نه در این وسعت؛ بلکه او فقط لغات را توضیح داده بود؛ ولی کفعمی توضیح کامل در مورد کلمات، نجوم، ادعیه، احادیث و رجال داده است. کفعمی سه نسخه متفاوت از صحیفه در سه سال متفاوت کتابت کرده است که این کتاب نسخه آخر است و به نوعی آخرین نظریه‌های کفعمی در مورد ضبط صحیفه سجادیه را دارد.

صحیفه سجادیه در ابتدا از ۷۴ دعا تشکیل شده بود که طی چندین سال توسط راویان و کاتبان چندین دعا فوت شد. یکی از ویژگی‌هایی که این کتاب دارد این است که دیگر کتب صحیفه دارای ۵۴ دعا می‌باشد؛ اما در این نسخه ۴ دعای دیگر نیز که مربوط به امام در صحیفه سجادیه است، قرار گرفته است. با تمامی این تفاسیر این نسخه در مناطق شیعه‌نشین عراق و ایران آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفت. شیخ بهایی و علامه محمدتقی مجلسی از آنجا که آوازه این نسخه را شنیده بودند به دنبال آن می‌گشتند؛ ولی موفق به این امر نشدند. امروز ما سندی در دست داریم که محمد صالح خاتون‌آبادی داماد علامه مجلسی در آن نوشته‌اند که جد ما به نقل از شیخ بهایی می‌فرمایند: «عموی ما - کفعمی عموی شیخ بهایی است - نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را کتابت کرده است که ما آرزوی دیدن آن را داریم. اما تا کنون موفق به این امر نشده‌ایم.»

همچنین ایشان فرموده که جد ما نیز به دنبال این نسخه بودند، اما آن را نیافتند. یعنی این کتاب گنجی ناشناخته بوده که به دنبال آن می‌گشتند و موفق به یافتن آن نشدند. علت آن هم این بوده که این نسخه نزدیک به ۴۰۰ سال در هند قرار داشته و ما نسخه‌های زیادی را سراغ داریم که با واسطه و یا بدون واسطه از این نسخه نوشته شده‌اند. البته این‌که چگونه این نسخه به هند رفته، معلوم نیست.

این کتاب نزدیک به ۳۰۰ سال در بین علمای هند دست به دست شد و در آخر در



کتابخانه ناصریه به مدت ۱۰۰ سال قرار گرفت. حدوداً ۱۰ سال پیش این کتاب به دلایلی به ایران منتقل گشت و توسط مالک کنونی نسخه، آقای سید جلال الدین یونسی در اختیار ما قرار گرفت تا به صورت عکسی چاپ شود و در اختیار دیگران قرار بگیرد که حاصل آن کتاب حاضر است.

این کتاب از چندین بخش تشکیل شده است. بخش اول آن تاریخی است درباره **صحیفه سجادیه** براساس نسخه‌ها و روایات مستند. بخش بعدی آن در مورد کفعمی و دیگر آثار اوست. سپس متن اصلی کتاب و همان چاپ عکس می‌باشد و در آخر شجره‌نامه‌ای از روایان **صحیفه سجادیه** به دست سید محمد بن محمد کاظم طباطبایی یزدی پسر نویسنده **العروة الوثقی** نوشته شده که جزو معتبرترین شجره‌نامه‌هایی است که در مورد روایان **صحیفه** نوشته شده است.

این کتاب به لطف کتابخانه ملی و بنیاد محقق طباطبایی به این صورت چاپ شد و امیدوارم این چاپ عکسی باعث شود رویکردهای متفاوت و جدیدی به صحیفه صورت بگیرد. من جمله نوشتن یک متن از صحیفه با توجه به این نسخه تا بعد از آن تفسیرها و ترجمه‌ها و شروح مختلفی در مورد آن نوشته شود.

از آقای رحمتی خواهش می‌کنم تا صحبت‌های خودشان را شروع بفرمایند.

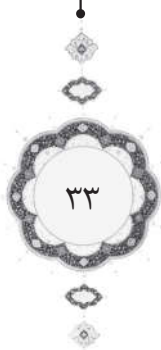
در مورد اهمیت این کار از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان نگاه کرد؛ اما تمرکز من روی مقدمه‌ای است که خود مصحح نگاشته. مقدمه‌ای که جنبه‌هایی از تشیع را روشن می‌سازد و باعث رفع برخی از ابهامات می‌گردد.

در اینجا لازم می‌دانم دو نکته را به حرف‌های برادر عزیزم جناب آقای حکیم اضافه کنم. اول این که اگر در مورد این کتاب نسخه‌های خطی کهنی نداریم به دلیل شرایط و سختی‌های شیعه به خصوص در زمان قبل از صفویه در گذشته است. و دوم این که حتی در مورد کتاب‌های قدیمی اهل سنت نیز نسخ خطی آن چنانی نیز وجود ندارد و شاید دلیل این امر فرهنگ انتقال این موضوع بوده است.

این نسخه آخرین نسخه‌ای است که کفعمی در مورد **صحیفه** کتابت کرده است؛ وی این کتاب را در سال ۹۰۳ ق. در کربلا به شخصی به نام محمد بن یحیی بن لیث حسینی از سادات مشهور نسابه نجف فروخت. همچنین در سال‌های بعد، این کتاب به فردی به نام ابوبکر بن شروانی از علاقه‌مندان کتاب در عثمانی فروخته شد و این کتاب به استانبول برده شد.

کفعمی در بخشی از این کتاب شرح حال خودش را می‌نویسد و از سفر ۱۰۰ روزه خود به مشهد مقدس می‌گوید. کفعمی در بخشی دیگر خود را شافعی مذهب معرفی می‌کند؛ زیرا در آن زمان به علت در خطر بودن شیعیان، بیشتر عالمان شیعی مذهب خود را پنهان می‌کردند تا در امان باشند.

این موضوع به قبل از دوره صفویه و اوایل آن دوره مربوط می‌شود. این کتاب در کل، ما را با سنت‌های جوامع شیعه‌نشین در آن زمان آشنا می‌کند.



به عنوان مثال در مورد شهید ثانی، می‌دانیم که در اواخر سال ۹۵۲ ق. سفری به استانبول داشته است و در آنجا با قاضی عسکر دیدار کرده و به واسطه او، سمت تدریس در مدرسه نوریه را گرفته است. مطمئناً در آن زمان شهید ثانی خود را به عنوان یک عالم شیعی معرفی نکرده است و رساله ده علوم را هم که نوشته است مانند رساله‌های شافعی بوده که وی توانسته به وسیله آن مجوز تدریس را در مدرسه نوریه کسب کند.

به طور کلی، این کتاب از لحاظ بیان این سنت که در میان علمای شیعه آن دوران بوده است و شواهد زیادی هم بر این امر وجود دارد مرجع کاملی است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در حاشیه این کتاب به استناد مالک آن، تاریخ فوت کفعمی را در سال ۹۰۵ ق. ذکر می‌کند. کفعمی ۱۵ سال پایانی عمر خویش را در شهر کربلا گذراند.

چاپ چنین آثاری علاوه بر اینکه ما دست خط و تاریخ فوت و وفات کفعمی را خواهیم داشت سند و دلیلی است برای رد ادعای بی‌اساس برخی افراد ضد شیعه و مسلمان که چنین آثاری را مورد حمله قرار می‌دهند و از اساس منکرشان می‌شوند.

آقای نوراللهیان لطفاً شما نظر خود را در این مورد بفرمایید.

من در این فرصت به یک بخش دیگری از این کار که غیر از نقد است می‌پردازم. این نسخه صحیفه که اکنون در دست داریم، صحیح‌ترین نسخه می‌باشد و با صحبت‌هایی که با دوستان و عزیزانمان در کتابخانه ملی صورت گرفته است بایستی از این نسخه تعدادی در اختیار ادیبان عارف قرار گیرد تا صحیفه به شکل درستی تصحیح شود و در اختیار عموم قرار بگیرد.

جناب آقای حکیم در ابتدای این کتاب مقدمه‌ای را نوشته‌اند که شامل تحولات، ترجمه‌ها، گم شدن نسخه، نقدها و تمامی موضوعاتی است که در طول ۱۲ قرن بر صحیفه رخ داد. مقدمه‌ای که بسیار خوب و با استفاده از مرجع‌های دقیق نوشته شده است.

همان‌گونه که برادر عزیزمان جناب آقای حکیم در ابتدای این کتاب بیان فرموده‌اند، این کتاب تنها کتابی است که منشی، راوی و کاتب آن امام بوده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند که امام سجاد (ع) راوی و امام باقر (ع) و زید بن علی ابن حسین (ع) کاتب این کتاب بودند و من نیز شاهد آن. صحیفه سجاده تنها کتابی است که از قرن اول هجری قمری باقی مانده است. این کتاب بین سال ۶۱ تا اواسط سال ۹۰ ق. نوشته شده است.

اکنون نسخه‌ای که از این کتاب در دست شیعه قرار دارد نسخه خطی امام باقر (ع) و یا زید بن علی بن حسین (ع) نیست؛ بلکه نوشته‌ای از روی این نسخ می‌باشد. برخی معتقد هستند که اصل نسخه نوشته شده توسط زید بن علی بن حسین در واتیکان نگهداری می‌شود که البته بنده به این موضوع اعتقادی ندارم.

یحیی بن زید که در سال ۱۲۵ ق. به شهادت رسید، این نسخه کنونی را به مدینه و به دست امام صادق (ع) می‌رساند. گرچه متوکلین هارون ثقفی بلخی باعث خارج شدن صحیفه از دست خاندان پیامر شدند، اما یحیی بن زید نسخه‌ای از آن را به امام صادق (ع) رساند. ایشان فرموده‌اند زمانی که این نسخه به دست امام داده شد ایشان آن را بوسیدند

و به فرزند خود اسماعیل فرمودند که آن را حفظ کند و نشر دهد. از قرن دوازدهم به بعد نیز کارهایی بر این متن دینی انجام شده است، که به اعتقاد من، نویسنده مقدمه این کتاب را باید در دستور کار تحقیقی خود قرار دهد. متأسفانه در حال حاضر **صحیفه سجادیه** در حوزه تدریس نمی‌شود. در حالی که این کتاب، منشور دینی است که در آن نگاه خاصی به برخی مسائل بنیادی دین مانند توحید شده است. در حال حاضر ۷۸ ترجمه از این متن دینی در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

آقای رحمتی بفرمایید.

امام سجاده (ع) مناجات‌های زیبای دیگری هم دارند که یکی از آنها را ابن عساکر در کتاب **مدینه‌الدمشق** آورده است.

ادبیات دعا و حوزه عرفان، حوزه‌ای است که بعضی اوقات حتی فرادینی حرکت می‌کند. به عنوان مثال در حوزه اندلس یک کتابی وجود دارد که کاتب آن فردی یهودی است؛ اما در آن، نقل قول‌هایی از **نهج البلاغه** در حوزه زهد و عرفان نیز وجود دارد. همچنین به نمونه‌های زیاد دیگری نیز می‌توان اشاره کرد.

اگر به **صحیفه سجادیه** کرامیان نیشابور بنگریم درمی‌یابیم که اصل این نسخه، بغدادی بوده است و متعلق به ابن همام از علمای شیعه در بغداد می‌باشد. راوی این کتاب ابوالحسن روحنی از عالمان کرمان است که بعدها ابوبکر محمدبن علی کرمانی نیز آن را به نیشابور می‌برد و آن را روایت می‌کند. کاتب آن یکی از علمای کرامی نیشابور بوده است که بعدها آن را به مدرسه‌ای که خود در آن حضور داشت اهدا می‌کند.

چاپ عکسی **صحیفه** گواهی است بر مقدمه‌ای که در ابتدای آن نوشته شده است. این کتاب از قدیم دست به دست شده و در کتابخانه آستان قدس از آن نگهداری می‌شده است. در سالیان دور به دلیل همجواری با حرم حضرت رضا (ع) و آرامگاه شیخ بهایی به این کتابخانه توجهات بسیاری می‌شد.



همچنین در طول تاریخ، برای جلوگیری از نابودی این قبیل نسخ ارزشمند، آنها را در جدارهای دیوار حرم پنهان می‌کردند و این نسخه در سال ۴۲ و در طی ساخت و سازهایی که در آنجا صورت می‌گرفت یافت شد.

در میان کتابخانه‌های کشور تنها در فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی شاهد چاپ عکسی نسخ خطی هستیم. گاه پژوهشگر تنها به یک صفحه از نسخه نیاز دارد که این‌گونه چاپ کمک زیادی به او می‌کند و در اینجا لازم است از کتابخانه ملی گله‌ای بکنیم مبنی بر اینکه چاپ چنین نسخی را مهم نمی‌داند و سرمایه و وقت مناسبی برای آن در نظر نمی‌گیرد.

جناب آقای امیرخانی از شما خواهش میکنم تا اگر مطلبی در این مورد دارید بفرمایید.

لازم می‌دانم چند نکته را یادآوری کنم؛ اول آن‌که در این چند وقت اخیر مباحث زیادی در مورد صحیفه صورت گرفته است و امروز ما شاهد آن هستیم که مطالبی که بیان می‌شود باز هم تازگی دارد و این نشان‌دهنده آن است که موضوع صحیفه چقدر وسیع است و جای کار دارد.

نکته دیگری را که می‌خواستم بیان کنم، آقای دکتر رحمتی به طور کامل‌تر و عالمانه‌تر مطرح کردند و بنده از ایشان فیض بردم و آن هم این است که به نظر من تاریخ دوره حیات کفعمی بسیار قابل توجه و مهم است.

در قرن نهم در سال ۹۰۷ شاه اسماعیل صفوی به حکومت رسید و آن‌گونه که بیان شده است مذهب شیعه را به رسمیت شناخت؛ اما در این بین تنها حکومت صفویه و قدرت شمشیر آنها نبود که بر این موضوع جامه عمل پوشانید؛ بلکه افراد و علمای مهمی در آن دوران حضور داشتند که کمک بسیاری برای تحقق این موضوع انجام دادند. یکی از مهمترین این افراد کفعمی است.

وقتی به تاریخ کتابت صحیفه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که تنها زمان اندکی قبل از روی کار آمدن حکومت صفویه و به رسمیت شناختن مذهب شیعه این کتاب نوشته شده است و این موضوع گواه این است که متون و علمای شیعه نقش مهمی را در به رسمیت شناختن مذهب شیعه ایفا کرده‌اند.

در کل باید به دوران حیات کفعمی بیشتر دقت شود و کار تخصصی‌تری در باب شناخت افراد و جامعه آن زمان صورت پذیرد. به عنوان مثال در مورد ملاحسین واعظ کاشفی که یکی از برترین علمای معاصر کفعمی بوده است باید بیشتر تحقیق شود و با شخصیت والای ایشان آشنا شد.

از شما خواهش می‌کنم که در مورد چاپ عکسی و اهمیت این چاپ نکاتی را بیان بفرمایید.

چاپ عکسی از جهات مختلفی حائز اهمیت است؛ گاه به خاطر خط خوش نویسنده، گاه به خاطر تزئینات و حاشیه‌های زیبای نسخه و گاه به خاطر دلایل گوناگون دیگر.

چاپ عکسی این کتاب نیز اول به خاطر محتوایش که **صحیفه** است و دو، به خاطر ۴ دعایی که فزون بر صحیفه‌های دیگر در آن آمده است و در آخر به خاطر خط این عالم بزرگ شیعی که تبرکاً و تیمماً می‌توان آن را دید حائز اهمیت است. همچنین نکات مهم دیگر در مورد چاپ عکسی که دوستان اشاره کردند.

درباره کتاب

رونمایی از این نسخه ماه گذشته به صورت رسمی در جوار حرم حضرت رضا (ع) انجام شد. همچنین طی مراسمی در کتابخانه ملی از آن تقدیر شد و امروز نیز در اینجا جلسه نقد و بررسی آن شکل گرفت. تیراژ این نسخه ۱۰۰۰ جلد است که حدود ۲۰۰ جلد آن به صورت نفیس و با قاب و حدود ۸۰۰ جلد آن به صورت معمول در طی روزهای آینده در دست دوستان قرار خواهد گرفت.

تقدیر و تشکر

در اینجا لازم می‌دانم که از دکتر سیدعباس صالحی نیز به خاطر سخنانی بسیار خوبی که در مشهد داشتند و همچنین از دکتر جلیسه تقدیر کنم. ما از دکتر جلیسه خواستیم که شرایط معرفی این کتاب در شهرستان‌های دیگر را فراهم نمایند و ان شاء الله با چاپ این نسخه در جلد معمولی و با قیمت مناسب‌تر، امیدواریم این کتاب ارزشمند به دست علاقه‌مندانش برسد. همچنین از آقای حکیم می‌خواهیم که مقدمه این کتاب را نیز به زبان عربی ترجمه کنند. زیرا بازار این چنین کارها بیشتر در کشورهای عربی من جمله مصر، عراق، کویت، لبنان و... است. ان شاء الله که موفق باشید.